

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی و تحلیل هشدارها و تحذیرها در قرآن

استاد راهنما:

دکتر غلامحسین اعرابی

استاد مشاور:

دکتر سید رضا مودب

نگارنده:

حمید رضا حبیب الهی

بهار ۱۳۸۶

۱۳۸۶ / ۸ / ۸

کتابخانه و اطلاع‌رسانی  
تعمیرات و مرمت

۹۶۳۵۷

## تقدیم به

تمامی اندیشمندانی که در راستای رسیدن به جامعه ای قرآنی

می اندیشند،

تحقیق و پژوهش می کنند،

قلم می زنند،

عمل می کنند،

و از هیچ تلاشی برای رساندن

پیام خدا

به بشریت

دریغ نمی ورزند.

## با تشکر از

همه کسانی که نویسنده را در هر یک از مراحل

تحقیق

نگارش

و تدوین

این پایان نامه یاری کردند، مخصوصاً استادان محترم

دکتر غلامحسین اعرابی و دکتر سید رضا مودب

که با راهنمایی هایی خویش

نویسنده را در اصلاح و به سرانجام رساندن این اثر، به نحو احسن

مساعدت فرمودند.

و تشکر ویژه از همسر محترم که با گذشتن از وقت خویش،

مرا در به اتمام رساندن

این اثر یاری کرد.

## چکیده

یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار بر تصمیمها، عملکردها و روش زندگی هر انسانی، مطلع بودن و توجه او به هشدارهایی است که از طرف افراد آگاه در هر زمینه ای به او داده می شود. به همین دلیل هر آن کسی که خواهان زندگی سعادت مند است ناگزیر به دنبال آن است که، از کسی که از تمام ارتباطات و قوانین نظام عالم هستی و از پیچیدگی های انسان از خیر او به او آگاه تر است، کسب تکلیف کند و نسبت به آن اموری که او هشدار داده و از آن نهی کرده، باخبر شود تا از آنها پرهیز و حذر کند و مقدمات خوشبختی خویش را فراهم آورد و خداوند حکیم نیز این نیاز بشر را به بهترین وجه پاسخ داده و از تمام مهلکات او را با خبر کرده و به او هشدهای لازم را داده است.

تحقیق و پژوهش حاضر نیز با این پیش فرض که قرآن مجید کلام خداست و خداوند به وسیله آن تمام هشدارهایی که آگاه کننده بشر نسبت به خطرات و مهلکات است را گوشزد کرده به سراغ این منبع وحی رفته تا هشدارهای خداوند به بشر را احصاء و استخراج کند. بر همین اساس در این پژوهش با نظر به تمام آیات قرآن، آیات هشدار دهنده انتخاب شده و از آنها هشدارها، تحذیرها و منهیات الهی استنباط گردیده و در قالب یک تقسیم بندی و چینش جدید به نگارش در آمده است.

نتیجه و ثمره ای که این پژوهش به آن دست یافته، آن است که، هشدارها، تحذیرها و منهیات قرآنی به صورت منظم و دسته بندی شده در زمینه های مختلف فردی و اجتماعی، مدون شده و خواننده می تواند با مطالعه این پژوهش فهرست هشدارهای الهی را همراه با آیات قرآنی مربوط به آن هشدارها را با توضیح و تبیین مجمل و مختصر ملاحظه فرماید.

روش تحقیق در این پژوهش، روش تحقیق کتابخانه ای بوده است.

کلید واژه ها: قرآن، هشدار، انذار، تحذیر

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۲  | مقدمه.....                    |
| ۴  | بیان مسأله.....               |
| ۸  | اهداف تحقیق.....              |
| ۱۰ | اهمیت تحقیق.....              |
| ۱۲ | سوالات اصلی و فرعی تحقیق..... |
| ۱۳ | پیشینه تحقیق.....             |
| ۱۶ | روش تحقیق.....                |

### فصل دوم: هشدارهای فردی قرآن

|    |   |
|----|---|
|    | الف) هشدارهای اعتقادی.....                |
| ۱۸ | کفر.....                                  |
| ۲۲ | شرک.....                                  |
| ۲۵ | نفاق.....                                 |
| ۲۹ | تکذیب آیات و نشانه های الهی.....          |
| ۳۱ | ناامیدی از رحمت خدا.....                  |
| ۳۲ | کفران بعضی آیات و ایمان به بعضی دیگر..... |
| ۳۴ | غلو در دین.....                           |

### ب) هشدارهای اخلاقی

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۳۶ | غرور و خود بزرگ بینی.....    |
| ۳۸ | میرا دانستن خود از گناه..... |
| ۳۹ | بخل.....                     |
| ۴۰ | حسادت.....                   |
| ۴۲ | بدخلقی.....                  |
| ۴۳ | بدگمانی.....                 |

- ۴۴.....تسویف و به تأخیر انداختن توبه.
- ۴۶.....ترس از مردم.
- ۴۸.....ترک کامل دنیا و حلال های خدا.
- ۵۰.....دلبستگی به دنیا.
- ۵۲.....اندوه خوردن بر آنچه از دست رفته.

### فصل سوم: هشدارهای اجتماعی

#### الف) هشدارهای خانوادگی

- ۵۵.....ازدواج با محارم.
- ۵۶.....ازدواج با مشرکین.
- ۵۷.....ازدواج با بی عفتان.
- ۵۹.....ظلم به همسر در مسأله مهر.
- ۶۰.....عدم عدالت بین زنان.
- ۶۲.....آشکار شدن زینت زن برای نامحرم.
- ۶۲.....قطع رحم.
- ۶۴.....کشتن فرزندان از ترس فقر.
- ۶۵.....رابطه دوستانه با خویشاوندان بی دین.
- ۶۷.....بی احترامی به پدر و مادر.
- ۶۸.....پیروی از پدر و مادر مشرک.

#### ب) هشدارهای فرهنگی

- ۷۰.....ظلم و ستم.
- ۷۲.....آزار و اذیت.
- ۷۳.....خیانت و پیمان شکنی.
- ۷۴.....نزدیکی به فواحش.
- ۷۶.....اشاعه فحشاء.
- ۷۸.....شراب خواری و قمار بازی.
- ۸۱.....قتل نفس.

- ۸۳.....طلبی برتری طلبی
- ۸۴.....یتیم آزاری
- ۸۶.....منت نهادن
- ۸۷.....دوستی با گمراهان
- ۸۹.....مکر و فریب
- ۹۱.....کتمان حقایق و پنهان کردن شهادت
- ۹۳.....استهزاء، عیب جویی و لقب بد دادن
- ۹۴.....دروغگویی
- ۹۶.....غیبت
- ۹۷.....سخن چینی
- ۹۸.....افک و تهمت زدن
- ۹۹.....مجادله غیر احسن
- ۱۰۱.....سخن درگوشی گفتن در حضور دیگران

### ج) هشدارهای اقتصادی

- ۱۰۳.....حرام خواری
- ۱۰۴.....ریا خواری
- ۱۰۷.....رشوه خواری
- ۱۰۸.....عدم پرداخت زکات
- ۱۱۰.....دادن اموال به افراد سفیه
- ۱۱۱.....اسراف و تبذیر
- ۱۱۳.....کم فروشی
- ۱۱۴.....انحصار اموال بین ثروتمندان

### د) هشدارهای سیاسی

- ۱۱۶.....تفرقه
- ۱۱۸.....اطاعت نکردن از رهبران الهی
- ۱۲۰.....غفلت از دشمن



|                 |   |
|-----------------|---|
| ۱۲۲.....        | اعتماد و خوش بینی به بیگانگان و دشمنان.....         |
| ۱۲۴.....        | انجام اعمالی که باعث سوء استفاده دشمنان می شود..... |
| ۱۲۵.....        | فرار از جنگ و جهاد.....                             |
| <b>۱۲۸.....</b> | <b>جمع بندی و نتایج.....</b>                        |
| <b>۱۳۰.....</b> | <b>پیشنهادها.....</b>                               |
| <b>۱۳۱.....</b> | <b>فهرست منابع.....</b>                             |

**چکیده انگلیسی**

# فصل اول

## کلیات

## مقدمه

عقیده ما مسلمانان بر آن است که قرآن کریم کتابی است نزول یافته از جانب پروردگار که بدون هیچ کم و کاستی به دست ما رسیده تا موجبات هدایت ما فراهم شود و به تعبیر خود قرآن، این کتاب نزول یافته تا «هُدًى لِّلنَّاسِ»<sup>۱</sup> باشد، لذا این کتاب الهی متکفل بیان هر آن چیزی است که به نوعی، هدایت بشر به آن بستگی دارد و از مهمترین مسائلی که به هدایت انسان مربوط می شود، اطلاع یافتن انسانها، از عاقبت اعمال و رفتارشان می باشد، به این معنا که چه رفتاری موجبات بد فرجامی و چه اعمال و کرداری موجبات سعادت و خوش فرجامی آنها را فراهم می کند، بر همین اساس قرآن مجید آکنده است از هشدارها و تحذیرهای فراوان در مورد اعمال انسانی که توجه و ترتیب اثر دادن به آنها، باعث نجات انسانها و سعادت آنها در دنیا و آخرت می شود و بی توجهی به آنها باعث ضلالت و گمراهی و نگونبختی آنها می شود.

تحقیق و پژوهش حاضر نیز در راستای جمع کردن، تنظیم و بررسی هشدارها و تحذیرهای قرآنی به نگارش درآمده است و نویسنده در آن کوشیده، هشدارهایی را که در این کتاب آسمانی وجود دارد به شمارش درآورد، البته ناگفته نماند که هر پژوهشگر و غواص حقیقی بنا بر درجات ایمان، معرفت، درک و عقل و تلاش خویش، می تواند از این کتاب ژرف و وسیع بهره بردارد و نویسنده این مجموعه نیز در حد توان خویش کوشیده است که اثری تازه که دارای نظم و اسلوبی جدید و به دور از دوباره کاری ها باشد به وجود آورد و با رویکردی کاربردی آیات هشدار دهنده قرآن را استخراج کرده و به نگارش درآورد.

در این تحقیق آیه ای که نمود و برجستگی بیشتری در مورد هشدار مربوطه داشته ابتدا آورده شده و در مورد آن توضیح و تفسیر مختصری آمده است و در متن از آیات دیگر هم استفاده شده است و از آنجا که در

---

<sup>۱</sup> بقره ۱۸۵.

این تحقیق اصل بر بررسی آیات قرآنی بوده است، لذا کمتر به احادیث پرداخته شده و تنها در مواردی که حدیثی به فهم مطلب و یا روشن شدن جوانب هشدار کمک می کرده، از احادیث استفاده شده است و تأکید اصلی روی آیات قرآنی بوده است.

از آنجا که بحث هشدارها بحث وسیع و گسترده ای است و این کتاب الهی آکنده از هشدار است بنای نویسنده در ذیل هر عنوان بر اختصار بوده ولی درعین حال سعی شده اختصار باعث نقصان و نا تمام ماندن مطلب نشود حال نویسنده در نیل به این هدف چقدر موفق بوده، مطلبی است که تشخیص آن بیشتر از عهده خواننده بر می آید تا نویسنده، تنها از خدا مسألت می کنیم که این اثر مقبول اهل نظر افتد و کار کوچکی باشد در راه خدمت به قرآن .

## بیان مسأله

موضوع پژوهش حاضر همانطور که از نام آن مشخص است هشدارها و تحذیرهای قرآنی است، از همین رو قبل از هر چیز بایستی مشخص شود که معنای هشدار و تحذیر چیست و این دو معنا چه مصادیقی در قرآن دارند؟ لذا در ابتدا معنای لغوی این دو واژه را بررسی می‌کنیم و سپس موارد استعمال و کاربرد دو ماده «تحذیر» و «انذار» را در قرآن بررسی می‌کنیم تا بتوانیم مسأله را به خوبی توضیح داده و تبیین کنیم.

هشدار در اصل فعل امر از «هش داشتن» است که به صورت مصدر به کار رفته و به معنی مراقب و مواظب بودن استعمال می‌شود.<sup>۱</sup> معادل این واژه را در عربی با کمی مسامحه می‌توان «انذار» و «تحذیر» دانست، چنانچه در لسان العرب واژه «انذار» آگاه کردن همراه با پرهیز دادن و ترساندن، معنا شده است.<sup>۲</sup> راغب هم انذار را به معنای خبری که همراه با ترساندن است دانسته است.<sup>۳</sup> تحذیر هم که بر وزن «تفعیل» می‌باشد اصل ماده اش «حذر» است که به معنی پرهیز دادن و ترساندن مخاطب است از امری ترسناک.<sup>۴</sup>

با تتبع در قرآن مجید و استخراج کلیه مشتقاتی که از دو واژه «انذار» و «تحذیر» گرفته شده است، این طور به دست می‌آید که تمام متعلقات «انذار» یعنی آن چیزهایی که خداوند با این لفظ مخاطبین خود را نسبت به آنها ترسانده است در دو چیز خلاصه می‌شود: الف) انذار در مورد روز قیامت و عذابهای اخروی، چنانچه در چندین آیه خداوند با تعبیر مختلف از قیامت یاد کرده و انسانها را نسبت به آن ترسانده است از جمله آیه ۳۹ سوره مریم که می‌فرماید:

«وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ...» یعنی «و آنان را از روز حسرت بیم ده...»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> علی اکبر دهخدا، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین (تهران: سیروس، ۱۳۳۷)، ج ۴۹، ص ۲۲۱.

<sup>۲</sup> ابن منظور، لسان العرب، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸)، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

<sup>۳</sup> راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن (بیروت: الدار الشامیة، الطبعة الثانية، ۱۴۲۳ق)، ص ۲۲۳.

<sup>۴</sup> راغب اصفهانی، پیشین، ص ۲۲۳.

<sup>۵</sup> همچنین آیات ۱۳۰ انعام، ۴۴ ابراهیم، ۷۱ زمر، ۱۵ غافر و ۷ شوری در بردارند معنای یاد شده هستند.

ب) عذاب های دنیوی که در این مورد آیه ۱۳ سوره فصلت که می فرماید: «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ» یعنی «پس اگر روی برتافتند بگو: شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود بر حذر داشتم.» به خوبی گویای مطلب است.<sup>۱</sup>

بررسی واژه «تحدیر» و هشدارهایی که با این لفظ و متعلقات آن در قرآن آمده است هم نشان می دهد که این هشدارها نیز در چند چیز خلاصه می شود که عبارتند از:

الف) هشدار باش و ترساندن نسبت به خود خداوند (جل جلاله) چنانچه در آیه ۲۳۵ سوره بقره این گونه آمده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ...» یعنی «...بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می داند، پس از [مخالفت] او بترسید...» همچنین آیه ۲۸ سوره آل عمران که می فرماید: «وَيُحَذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» یعنی «...خداوند شما را از [عقوبت] خود می ترساند...»<sup>۲</sup>

ب) هشدار نسبت به آخرت و عذاب پروردگار همچون آیه ۵۷ سوره اسراء که می فرماید:

«إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مُحَذُورًا» یعنی «...عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است.»

ج) هشدار نسبت به منافقین و کفار چنانچه در آیه ۴ سوره منافقون چنین می خوانیم: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ» یعنی «...خودشان (منافقین) دشمنند از آنان پرهیز...» و در آیه ۴۹ سوره مائده در مورد کفار از اهل کتاب آمده است: «وَأَحْذَرَهُمْ أُنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...» یعنی «...و از آنان بر حذر باش، مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه اندازند.»

<sup>۱</sup> همچنین آیه ۳۶ سوره قمر، گویای این مطلب است.

<sup>۲</sup> تعبیر ترسیدن از خدا، تعبیری نیست که تنها در این دو آیه آمده باشد بلکه این معنا در بسیاری از آیات آمده، اما نه با جمله «یحذركم الله نفسه» بلکه با استعمالات دو ماده «تقوى» و «خشية».

د) هشدار نسبت به بعضی همسران و فرزندان که دشمن انسان هستند چنانچه در آیه ۱۴ سوره تغابن چنین می خوانیم: «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاَحْذَرُوهُمْ»<sup>۱</sup> یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان بر حذر باشید...»

از دقت در موارد یاد شده که در همگی آنها، مستقیماً از الفاظی از ماده «انذار» و «تحدیر» استفاده شده است روشن می شود که مهمترین مقوله ای که خداوند بندگانش را از آن ترسانده آخرت و عذابهای اخروی است و اگر هم در آیاتی این تعبیر آمده است که خداوند شما را از خودش می ترساند، این ترساندن همان ترساندن از خداست به خاطر معاصی که انسان مرتکب شده و در نتیجه در قیامت با صفات غضب الهی روبرو خواهد شد.<sup>۱</sup>

آیاتی هم که انسان را از منافقین یا بعضی همسران و فرزندان، ترسانده و حذر داده به آن خاطر است که این گونه افراد با تأثیر گذاری بر انسان و به انحراف کشاندن و فراهم کردن موجبات غفلت او، در نهایت بدفرجامی و عذاب اخروی را برای انسان رقم می زنند. به بیان دیگر هشدار باش نسبت به همه موارد مذکور همگی به همان ترساندن و هشدار دادن نسبت به قیامت و عذابهای اخروی بر می گردد.

اما از آنجا که نویسنده در این تحقیق تنها به بررسی لغوی نظر نداشته و قصد داشته به صورت مفهومی آیاتی را که از آن هشدار باش فهمیده می شود، بررسی کند تنها به بررسی متعلقات دو ماده انذار و تحدیر نپرداخته بلکه به کلیت مفهوم هشدار توجه کرده و بر همین اساس از بسیاری آیات قرآنی هشدار باش فهمیده است و با در نظر گرفتن بعضی ملاکها از آیات قرآنی هشدارهایی استخراج کرده است. این ملاکها عبارتند از:

---

<sup>۱</sup> شیخ طوسی در ذیل آیه ۲۸ سوره آل عمران که تعبیر «ویحذرکم الله نفسه» آمده است توضیح می دهد که «نفسه» یعنی «عذابه»، علامه طبرسی نیز می گوید: در اینجا منظور عقاب پروردگار است و همانطور که می گویم «از شیر بترس» و منظورمان برهیز از درندگی شیر است، در اینجا نیز منظور جزاء خداست. نگاه شود به: «ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن به تصحیح احمد حبیب قسیر عاملی (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵)، ج ۲ ص ۴۳۵، و «فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲) ج ۳، ص ۲۳۰.»

- ۱- مفهوم لعنت الهی در مورد گروه هایی مثلا خداوند در مورد کافرین، ظالمین، پیمان شکنان و افک زندگان این تعبیر را به کار برده است که ما از این گونه آیات هشدار الهی را نسبت به این افراد استفاده کرده ایم.
- ۲- به کار رفتن واژه «ویل» برای گروه هایی چنانچه مثلا خداوند در مورد مشرکین، مکذبین و مسخره کنندگان با تعبیر «ویل» نسبت به این اعمال و خصوصیات هشدار صریح داده است.
- ۳- وعده جهنم یا عذاب به گروه هایی داده شدن، مثلا در مورد نفاق، کفر و قتل نفس وعده عذاب داده شده است که این حاکی از هشدار خداوند نسبت به این اعمال است.
- ۴- وجود نهی صریح در مورد یک اعتقاد یا خلق و خو یا عملکرد خاص، در واقع ما نهی های الهی را هشدار باش خداوند به حساب آورده ایم و قسمت عمده هشدارها را با توجه به این ملاک استخراج کرده ایم در ضمن نهی ها نیز خود بر چند قسمند:
- الف) نهی های مستقیم خطاب به مسلمانان یا مومنین مثل نهی از بی احترامی به پدر و مادر یا فرار از جنگ.
- ب) نهی هایی که از زبان پیامبری از پیامبران صادر شده است همچون نهی از ناامیدی از رحمت خدا که از زبان یعقوب به فرزندانش صادر شده است.
- ج) نهی هایی که در قرآن آمده و مستقیما خطابش به غیر مسلمانان است همچون نهی از غلو که خطاب به اهل کتاب است. در واقع همه این نهی ها را به نوعی هشدار خداوند نسبت به متعلق آن نهی ها حساب کرده ایم.
- ۵- وجود نهی تلویحی در مورد عملی، همچون نهی تلویحی خدا در مورد اختصاص اموال جامعه به ثروتمندان و گردش ثروت در بین آنها.
- ۶- تصریح به حرمت، همچون تصریح به حرمت نکاح با محارم. این ملاک بیشتر در هشدارهای خانوادگی مدنظر بوده است.
- ۷- مذمت از یک عمل همچون، مذمت از حرام خواری یا سخن در گوشه در بعضی از آیات.
- ۸- تصریح به عدم رستگاری و فلاح در مورد افراد یا گروه هایی، همچون تصریح به عدم رستگاری ظالمان.
- ۹- ذکر عاقبت بد دنیوی برای یک عمل، همچون درشت خویی که عاقبتش پراکنده شدن افراد از کنار فرد درشت خو و بد اخلاق، ذکر شده است.



در این تحقیق اگر یک یا چند ملاک از ملاک هایی که آورده شد در آیه ای موجود بوده باشد، نویسنده آن را جزء آیات هشدار دهنده دانسته و به آن در یکی از فصول تحقیق پرداخته است.

## اهداف تحقیق

با توجه به مطالبی که آمد، مشخص شد که اصل متعلق هشدار های قرآن عذابهای الهی و بالاخص عذاب های اخروی است و لذا تمامی آیاتی که به نوعی از آنها هشدار باش فهمیده می شود، همگی بازگشت به این آیات دارند یعنی اگر خداوند نسبت به موضوع های مختلف هشدار می دهد و انسان را از خیلی اعمال بر حذر می دارد، به این خاطر است که انسان در آخرت مغبون و خسارت زده نشود و به عذاب های اخروی (وگاهی دنیوی)، دچار نشود. با این تحلیل است که غایت و هدف نهایی تمامی هشدارهای قرآنی مشخص می شود و روشن می شود که خداوند به انسانها هشدار داده تا آنها نسبت به مفاد هشدارهای الهی ترتیب اثر دهند و از آنچه ترساننده شده اند حذر کنند، و این مطلبی است که به خوبی در آیه ۱۲۲ سوره مبارکه توبه بدان تصریح شده است، در این آیه آمده است که:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا

فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» یعنی «برای مومنان سایر شهرها غیر مدینه جایز نیست که همگی به جهاد بروند، پس چرا از هر شهری یک عده به سوی مدینه الرسول کوچ نمی کنند تا در آنجا احکام دین را یاد گرفته و عمل کنند و در مراجعت، هموطنان خود را با نشر معارف دین، انذار نموده، آثار مخالف با اصول و فروع را گوشزد بکنند تا شاید آنها بترسند و حذر کنند و به تقوا بگرایند.»<sup>۱</sup>

می بینیم که در این آیه هدف از یادگیری دین، ترساندن دیگران و هشدار دادن به آنها معرفی شده و غایت و هدف هشدار دهی هم، حذر کردن و ترتیب اثر دادن به هشدارها توسط مردم معرفی شده است پس همه این مقدمات برای آن است که مردم هشدارهای الهی را بشنود و آنها را جدی

<sup>۱</sup> محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۹، ص ۴۰۴.

بگیرند و به آنها ترتیب اثر دهند تا این امر باعث نجات آنها از عذابهای اخروی و رنجهای دنیوی شود، اما اینکه مردم در مقابل هشدارهای الهی چگونه عمل می کنند و چه موضعی می گیرند مطلبی است که جا دارد در همین جا بدان پرداخته شود، لذا با توجه به آیات قرآنی می توان دو رویکرد کلی را نسبت به هشدارهای الهی بر شمرد که در ادامه می آید:

### رویکرد اول:

انکار هشدارها و اعراض از آن، چنانچه قرآن مجید در بسیاری از آیات به این مطلب اشاره می کند که گروهایی از مردم هشدارهای قرآنی را انکار کرده و از آن رویگردان شده و به آنها ترتیب اثر نمی دهند. این افراد گاه با صفت کفر توصیف شده اند<sup>۱</sup> گاه با صفت اتراف و خوشگذرانی<sup>۲</sup> و گاه با صفت بی ایمانی<sup>۳</sup>، در واقع افرادی که از لحاظ فکری به کفر و بی ایمانی دچارند و زندگی شان هم آکنده از غفلت و خوشگذرانی است چنین افرادی، اگر هم هشدار داده شوند، تأثیری بر آنها ندارد، البته هشدار برای چنین افرادی جنبه اتمام حجت را دارد و باعث می شود که دیگر در پیشگاه خداوند، حجتی نداشته باشند، به این موضوع در قرآن صراحتاً اشاره شده است و در مورد کسانی که عاقبتشان دوزخ است چنین آمده است: «كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا» یعنی «... هر بار که گروهی در دوزخ افکنده شوند، نگهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشدار دهنده ای نیامد؟» گویند: «چرا، هشدار دهنده ای به سوی ما آمد ولی تکذیب کردیم...»<sup>۴</sup>

### رویکرد دوم:

قبول هشدارها و ترتیب اثر دادن به آن. در مقابل گروه پیشین افرادی هم هستند که هشدارهای الهی را جدی گرفته و به آن ترتیب اثر می دهند این افراد به تعبیر قرآن، تنها کسانی هستند که تبعیت

---

<sup>۱</sup> «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ» یعنی «... و کسانی که کافر شده اند، از آنچه هشدار داده شده اند، رویگردانند» احقاف ۳.  
<sup>۲</sup> «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِمْ كَافِرُونَ» «[ما] در هیچ شهری هشدار دهنده ای نفرستادیم جز آنکه، خوشگذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما فرستاده شده اید کافریم» سبأ ۳۴.  
وَمَا تَعْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذِيرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ. یعنی «... نشانه ها و هشدارها، گروهی را که ایمان نمی آورند، سود نمی بخشد» یونس ۱۰۱.

<sup>۲</sup> الملک ۹۸.

از کتاب حق می کنند و از خدا می ترسند.<sup>۱</sup> در واقع اگر روحیه خدا ترسی در انسان ایجاد شد، هشدارهای قرآنی نیز در او اثر گذار خواهد بود و انسان به هشدارها ترتیب اثر می دهد ولی در غیر این صورت اگر از ابتدا تا انتهای قرآن هم برای کسی خوانده شود و تمام هشدارها را هم بشنود، ذره ای بر او تاثیر نخواهد گذاشت چرا که به تعبیر قرآن، هشدارهای قرآنی بر مردگان تأثیر نمی گذارد بلکه بر زنده دلان تأثیر گذار است<sup>۲</sup> و این مطلب از مهم ترین مطالب در بحث هشدارهاست به این معنی که نبایستی انتظار داشت، هر کسی که هشدارهای الهی را می شنود یا می خواند از آن تأثیر پذیرد و به آن ترتیب اثر دهد، بلکه هشدار تنها بر کسانی که زنده دل و خدا ترس باشند مؤثر است و بس.

## اهمیت تحقیق

در قرآن مجید در حدود سی آیه خداوند پیامبر اسلام را به عنوان «منذر» معرفی می کند که هدف از برانگیخته شدنش ترساندن مردم و هشدار به آنهاست.<sup>۳</sup>

در بعضی از این آیات پیامبر تنها «منذر» معرفی شده است و در بعضی دیگر به جنبه بشارت دهنده گی پیامبر نیز اشاره شده است، اما آیاتی که در آنها تنها به انذار و هشدار دهنده گی پیامبر اشاره شده است بیش از مواردی است که بشارت دادن در کنار هشدار دادن آمده است که این خود گویای اهمیت مسأله هشدار دهی از نظر قرآن است. علاوه بر این در سوره مبارکه دخان خداوند بعد از اینکه به نزول قرآن در شبی مبارک یعنی همان شب قدر اشاره می کند دلیل این انزال را هم بیان می کند و می فرماید: «إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» یعنی «همانا ما هشدار دهنده ایم».<sup>۴</sup> از دقت در این تعبیر به خوبی روشن می شود که غایت اصلی نزول قرآن هشدار دهنده گی آن بوده است و خداوند خود را در این آیه هشدار دهنده ای معرفی می کند که با نزول قرآن هشدار دادن را محقق کرده است. همچنین این

<sup>۱</sup> «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ» ط یعنی «بیم دادن تو، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد.» یس ۱۱.

<sup>۲</sup> «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا ...» یعنی «این [سخن] جز اندرز و قرآن روشن نیست تا هر که را [دلی] زنده است هشدار دهی» یس ۶۹ و ۷۰.

<sup>۳</sup> مثلاً آیه «إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» فاطر ۲۳ و یا آیه «إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» ص ۷۰ و دیگر آیات.  
<sup>۴</sup> دخان ۳.

تعبیر دلالت دارد بر اینکه هشدار دهندگی خداوند که این بار توسط پیامبر اسلام و بوسیله قرآن انجام شده چیز نوظهوری نبوده بلکه انذار و هشدار دادن سنت همیشگی خداوند تعالی است که همواره در امت های گذشته از طریق وحی به انبیا و رسولان جریان داشته و خداوند دائماً انبیائی را مبعوث می کرده تا بشر را انذار کنند<sup>۱</sup> و این بار با نزول قرآن بر پیامبر، مقدمات هشدار دهی به بشر را فراهم کرده است. این مفهوم در بعضی آیات دیگر هم آمده از جمله ابتدای سوره فرقان خداوند چنین می فرماید:

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» یعنی «بزرگ و [خجسته] است کسی که برینده خود فرقان [ کتاب جدا سازنده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان هشدار دهنده ای باشد.»<sup>۲</sup>

می بینیم که در این آیه نیز هدف از نزول قرآن هشدار دهندگی آن نسبت به تمام جهانیان اعم از جن و انس دانسته شده است، لذا بنا بر این دو آیه و آیات مشابه به خوبی جایگاه مسأله هشدار دهی و اهمیت آن از نگاه قرآن روشن می شود.

علاوه بر بیان فوق اهمیت مسأله هشدار از نظر عقل نیز روشن است و خداوند از طریق عقل هم مقدمات توجه بشر به انذار را فراهم کرد.<sup>۳</sup> چرا که تمام عقلا به این مطلب اعتراف دارند که در بسیاری از حیظه ها عقل انسان به تنهایی هیچ راهی ندارد، مثلاً در مورد اینکه آیا پس از مرگ حیاتی هست یا نه و اگر هست عاقبت انسانها در آن چگونه خواهد بود و چه اعمالی باعث نیک بختی یا بدبختی آنها می شود، عقل بشر هیچ مطلب صریح و یقینی برای گفتن ندارد و تنها حکمی که می کند این است که بایستی برای اطلاع از این مطلب سرنوشت ساز به سراغ وحی رفت و جز زانو زدن در محضر وحی راه دیگری برای رسیدن به این مطالب نیست و لذا عقل حکم می کند که اگر در مورد سرنوشت بشر مطالب حساس و تعیین کننده وجود دارد بایستی حتماً توسط شارع گفته شود و هشدار های لازم داده شود و به لطف الهی قرآن مبین به بهترین وجه این هدف را برآورده کرده است و در زمینه اعمال و رفتار ناپسند انسانی که مورد رضایت خداوند نیست و به بدفرجامی انسان منجر می شود، هشدارهای لازم را داده است.

<sup>۱</sup> محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن (قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق) جاب پنجم، ج ۱۸، ص ۱۲۱.

<sup>۲</sup> فرقان ۱.

<sup>۳</sup> فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۹، ص ۹۴.